

فرهنگ اساطیر ایرانی

بر پایه متون پهلوی

خسرو قلی زاده

(عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور)



شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه

www.ketab.ir

سرشناسه:

قلی زاده، خسرو، ۱۳۴۵ -

عنوان و نام پدیدآور:

فرهنگ اساطیر ایرانی بر پایه متون پهلوی / مؤلف خسرو قلی زاده.

مشخصات نشر:

تهران، کتاب پارسه، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری:

۴۷۲ ص.

شابک:

۹۷۸-۶۰۰-۵۰۲۶-۲۹-۰

وضعیت فهرست نویسی:

فیبا.

موضوع:

زردشتی - دایره المعارف ها.

رده بندی کنگره:

BL۱۵۷۲/۴۸۴

رده بندی دیویی:

۲۹۵/۰۳

شماره کتابشناسی ملی:

۱۱۲۸۹۳۳



شرکت مطالعات نشر کتاب پارسه

فرهنگ اساطیر ایرانی

بر پایه متون پهلوی

مؤلف: خسرو قلی‌زاده

صفحه‌آرایی: حامد هاشمی مقدم

شابک: ۰ - ۲۹ - ۵۰۲۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸

چاپ اول: ۱۳۸۷

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: اطلس چاپ

چاپ: نشانه

صحافی: کیا

قیمت: ۷۰۰۰ تومان

حق چاپ محفوظ و مخصوص نشر کتاب پارسه است

تهران، میدان انقلاب - خیابان اردیبهشت، نیش کوچه بهشت آیین، شماره ۱۸۱، درب دوم

تلفن: ۶۶۹۵۴۵۷۲ - دورنگار: ۶۶۹۵۶۸۷۷ - امور شهرستانها: ۶۶۹۶۲۳۴۸

از هنگامی که بشر به اسطوره توجه کرد زمان بسیاری می‌گذرد. شاید هزاران سال پیش بود که انسان به طور ناخودآگاه مجذوب و شیفته اسطوره شد. از آن زمان اسطوره جزء جدانشدنی زندگی بشر گردید. انسان اسطوره‌باور، اسطوره را قدسی و والا می‌پنداشت و در تمامی لحظات زندگی خود اعمالش را با اسطوره‌های جامعه خود منطبق می‌کرد و در آن تجلی خدایان و ایزدان و قهرمانانش را می‌دید. با گذشت زمان، زندگی انسان دستخوش تغییراتی شد که لازمه زندگی بشری بود. اساطیر نیز متناسب با این تغییرات، جلوه خود را تغییر دادند، ولی از بین نرفتند و همچنان به حیات خود ادامه دادند. گذشت زمان، پیشرفت مادی و معنوی، انقلاب صنعتی، تسخیر فضای لایتنهای، عصر هواپیماهای مافوق صوت، رایانه و اینترنت، هیچکدام مانع از تداوم حیات اسطوره‌ها نشدند. بلکه به عقیده دانشمندان تنها باعث تغییر جلوه و نمود اساطیر گشتند. اگر به اطراف خود نظری بینگنیم هنوز نیز مردان و زنانی را می‌یابیم که همچون رستم و اسفندیار و زریور و فرنگیس و جریره، رودابه و تهمنه در راه دفاع از ایران مقدس اسطوره‌ها ساختند. با تأمل در این موارد بیشتر به درستی نظر دانشمندانی پی می‌بریم که معتقدند در جهان ما اسطوره‌ها از بین نمی‌روند، بلکه به مقتضای پیشرفت جامعه در جلوه‌ای تازه نمود می‌یابند. در سایه کوششهای دانشمندانی چون میرچا الیاده، دومنزیل، لوی استروس، جیمز دارمستر، کارل گوستاو یونگ، الکساندر کراب، ژاک دوشمن گیمن و ماریان موله و مهرداد بهار، ژاله آموزگار، کنایون مزداپور، جلال ستاری و ... انسان امروزی دیگر اسطوره را چیزی در شمار لاتانات نمی‌داند. اسطوره در زندگی امروز واقعیتی انکارناپذیر شده است. شاید به همین علت ژان کوکتو در پاسخ به پرسشی گفت: «من همواره اسطوره را بر تاریخ ترجیح دادم، زیرا تاریخ مرکب از حقایقی است که در نهایت دروغ از آب درمی‌آیند و اساطیر از دروغ‌هایی ساخته و پرداخته شده است که به مرور به حقیقت تبدیل می‌شوند».^۱

۱. به نقل از دومنزیل، ژرژ؛ کایوا، روزه؛ گودورف، ژرژ؛ و دیگران: جهان اسطوره‌شناسی، ۴: ترجمه جلال ستاری، انتشارات مرکز، تهران، ۱۳۷۹، ص ۷۴.

اثر حاضر برای پژوهشگران و مشتاقان تاریخ و فرهنگ ایران و بخصوص ایران باستان، زبان و ادبیات فارسی، باستان‌شناسی، علم‌الادیان، اساطیر و مردم‌شناسی و دیگر علاقمندان، تألیف شده است. فیش‌برداری این اثر در سال ۱۳۸۱ آغاز شد و در سال ۱۳۸۳ با پایان فیش‌برداری و کار تدوین و تألیف مقالات آغاز گشت. در این اثر تنها از متون پهلوی یا دوره میانه زبان فارسی استفاده شد. شاید این پرسش مطرح شود که چرا متون دوره میانه یا پهلوی؟ در پاسخ باید گفت ادبیات مزدیسنا شامل ادبیات اوستای کهن و اوستای متأخر و متون به جای مانده پهلوی به زبان فارسی میانه و پهلوی اشکانی است. گذشته از اینها می‌توان به منابع پس از اسلام و بخصوص آثار نویسندگان و مورخین اسلامی درباره ادبیات پهلوی نیز اشاره کرد. در مورد ادبیات اوستایی کهن باید گفت که این آثار اطلاعات اساطیری چندانی به ما نمی‌دهند. واقع گاهان و یسنا مجموعه نیایش‌ها و ستایش‌هایی است که آگاهیهای اساطیری ناقصی دارند. در این متون به برخی وقایع اساطیری تنها اشاره‌ای مختصر و ناکافی شده است. یشتها نیز حاوی اطلاعات اساطیری خوبی است. اما اشارات آن هم به نوعی مبهم است. گویا مؤلفین یشتها گمان می‌کردند خوانندگان آن اثر، از جزئیات اساطیری برخی وقایع آگاهی دارند، پس به طور گذرا و مختصر بدان وقایع اشاره کرده‌اند. اما متون پهلوی بخصوص دینکرد، بندهش، زادسپرم، روایت پهلوی، گزیده‌های زادسپرم و دستنویس م ۲۹ آگنده از وقایع اساطیری و شرح قهرمانیها و اسطوره‌هاست. به طور کلی عصر زردشت و اندکی پس از او را می‌توان عصر اسطوره‌زدایی نامید و هرچه از زمان زردشت دورتر می‌شویم، اسطوره‌ها بیشتر خود را نمایان می‌سازند. در دوره ادبیات پهلوی شاهد نقطه اوج این اساطیر هستیم. اسطوره‌های ایران باستان، در دوره‌های بعد بخصوص پس از اسلام شالوده بسیاری از وقایع اساطیر ادبیات و فرهنگ این مرز و بوم را تشکیل می‌دهند. با این همه باید پذیرفت تألیف چنین فرهنگی بدون مراجعه به ادبیات اوستایی و آثار ودایی و متون اوایل دوران اسلامی کاری ناتمام است. لذا در این اثر تا حد امکان به منابع اساطیری اوستایی و ودایی و حتی بین‌النهرینی نیز مراجعه شد. اما به قول مرحوم مهرداد بهار «هرچند این آثار اساطیری منتسب به بهدین مزدیسنی است، اما نباید گمان کرد که این اسطوره‌ها معرف عقاید و اندیشه‌های بنیانگذار این آیین است. حتی با اطلاعات اندکی که از عقاید گاهانی در دست است و با اطلاعی که از وداها و آثار مزدیسنی کهن و میانه گردآمده است، می‌توان مطمئن بود که این اسطوره‌ها ربطی به باورهای ژرف و اساسی گاهانی

ندارد» (پژوهشی در اساطیر، ۱۶) و به قول مری بویس بیشتر یادگار روزگار پیش از زردشت است.

اما شاید این پرسش مطرح شود که مطالعه و شناخت اساطیر چه سودی دارد؟ همانگونه که مرحوم بهار متذکر شده‌اند «مطالعه اساطیر یک قوم، در همه ابعاد آن، ما را یاری می‌دهد تا تاریخ رشد تمدن و فرهنگ آن قوم را باز شناسیم و نیز از آنجا که بسیاری سنت‌ها و اعتقادات، با وجود آن که با روح دین و تمدن یگانه نیستند، سرسختانه باز می‌مانند و در درون عقاید امروزی ما نیز جای می‌گیرند، چه بسا چنین مطالعه‌ای ما را به گوشه‌هایی از آداب و عقاید کهن خود که همچنان در میان ما زنده است، راهنما گردد» (همان، ۱۷).

در تدوین این اثر تلاش نگارنده بر این بود تا خواننده با نظر مؤلفین متون پهلوی در مورد بن‌مایه‌های اساطیری و فکری ایران کهن آشنا گردد. زیرا معتقدم که این بن‌مایه‌ها، شالوده حماسه و اساطیر دوران بعدی ما را به وجود آوردند. در پاره‌ای موارد نظر اسطوره‌شناسان خارجی و داخلی نیز مطرح شد. اما متأسفانه این امکان فراهم نیامد در همه موارد اینچنین عمل شود. زیرا اگر به این امر مهم و ضروری می‌پرداختم، اثر حاضر مصداق بارز مثنوی هفتاد من می‌شد و فرصت زیادی را هم طلب می‌کرد. با همه این احوال تلاش شد تا خواننده با اطلاعات دست اول که از لابلای متون پهلوی استخراج گردیده، در باب موضوعات اساطیری آشنا شود.

آشنایی با منابع اصلی تحقیق

سنگ بنای این تحقیق بر اساس متون پهلوی به مربوط به ادبیات دوره ساسانی و اندکی پس از آن گذارده شده است. متون پهلوی مورد استفاده در این اثر عبارتند از: ارداویرافنامه، بررسی دستنویس ۲۹، بندش. دینکرد، روایت پهلوی، زند بهمن یسن، شایست ناشایست، کارنامه اردشیر بابکان، گزیده‌های زادسپرم، متون پهلوی، مینوی خرد و یوشث فریان. در کنار متون پهلوی، منابع سودمند دیگری، که حاصل قلم نویسندگان برجسته و دانشمند می‌باشند مورد بررسی قرار گرفت و برای اینکه خواننده از این دستاوردهای گرانسنگ بی‌بهره نباشد از آن منابع نیز استفاده شد (برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به کتابنامه). همچنین تأکید بر این بود تا هر یک از مقالات این فرهنگ کاملاً موثق و علمی باشد. بدین علت در پایان هر مدخل بخشی با عنوان منابع وجود دارد و خواننده می‌تواند منابع مورد استفاده هر مدخل را با ذکر شماره صفحه اثر مورد استفاده، در آنجا بیابد. البته این روش برای خواننده ساده‌ترین و آسانترین شیوه دستیابی به

مأخذ است. در زیر شرح مختصری درباره هر یک از منابع اصلی این تحقیق ارائه می‌شود:

۱. ارداویرافنامه: این کتاب شرح سفر بهدینی مقدس به نام ارداویراف یا ارداویراز است به جهان دیگر که در طی آن به دیدار اورمزد و مشاهده بهشت و دوزخ نائل می‌گردد و به شرح حمله اسکندر و پراکندگی اوستا و زند، انواع پارسایان و پاداش‌های آنان در بهشت و توصیف دوزخ، گناهکاران و مجازات آنان می‌پردازد. این اثر را فیلیپ ژینیو به فرانسه ترجمه کرد و خانم دکتر ژاله آموزگار با چیره‌دستی و نکته‌سنجی آن را به فارسی برگردانده‌اند (نگاه کنید به فهرست منابع ژینیو).

۲. بندهش: اثریست انباشته از داستانها و روایات اساطیری و با توجه به طرح و نظم شگفت‌آور و تحسین‌برانگیز آن، می‌توان باور داشت که این اثر متکی بر بهترین سنتهای قبل از خود در بیان کیفیت آفرینش و تکوین جهان تا رستاخیز و جاودانگی زندگی پس از آن است. که ظاهراً این سنت با متن اوستایی از میان رفته دامدادنسک و دیگر بخشهای اوستایی کهن بی‌ارتباط نیست. در این اثر پس از مقدمه‌ای ناتمام و تلخ که حکایت از روزگار آشفته مزدیسنان و فرو ریختن ناباورانه قدرت و فرمانروایی ایشان می‌کند، نویسنده کتاب، با بیانی شیرین و طرحی استوار از بیکرانگی آغازین و کرانه‌مند بودن گیتی، جهان روشنی و تاریکی، بیان آفرینش و هجوم اهریمن از جهان تاریکی و نتایج این یورش، ایزدان و دیوان سخن می‌گوید. تاریخ اساطیری ایران را از پیشدادیان و کیان تا تاریخ واقعی عهد ساسانی و بسر رسیدن دولت ایشان، بیان می‌کند. سرانجام پیش‌بینی آینده و فرجام جهان و رستاخیز و تن‌پسین را مورد بحث قرار می‌دهد. مرحوم مهرداد بهار این اثر را با کوشش و همت عالی به فارسی برگردانده‌اند (نگاه کنید به بهار، ۱۳۶۹).

۳. بررسی دستنویس م ۲۹: کتابی است حاوی سی و هفت فصل مستقل که به مطالب اساطیری و آیینی می‌پردازد. در کتاب از گرشاسب، اخت جادو، تهمورس و جمشید، امشاسپندان، ایزد بهرام، گلشاه، پیادایی آتش، فریدون و ضحاک، رستاخیز، گرز ایزد مهر، از شاهی گشتاسب تا یزدگرد، آخر هزاره، باریابی زردشت، مراسم گوسفند، نشانه‌های زادن منجی، باران‌کرداری، نوپارانی، خویودوس، رستاخیز، بهمن امشاسپند، و ... سخن به میان آمده است. در این اثر تحول اسطوره و حرکت آن به سوی قصه و داستان قابل مشاهده است. از این لحاظ اثری پرارزش می‌باشد. خانم دکتر کتابون مزدپور این اثر را به نحوی عالمانه به فارسی برگردانده‌اند (نگاه کنید به منابع، مزدپور ۱۳۷۸).

۴. دینکرد: واژه دینکرد تحت‌اللفظی به معنی «تألیف دینی» است و «دین» در این کلمه و بسیاری موارد دیگر در مفهوم روایات و کتاب دینی (اوستا و زند) است. بنابراین، نام کتاب گویای این است که کتاب مبتنی بر اوستا و ترجمه‌های آن است. این اثر بزرگ در اصل مشتمل بر نه کتاب بوده که کتابهای اول و دوم آن تماماً و بخشی از آغاز کتاب سوم از میان رفته است. از نظر دربر داشتن مطالب گوناگون دینکرد را بدرستی «دانشنامه مزدیسنی» نام نهاده‌اند. این کتاب دو مؤلف داشته است. یکی آذرفرغ فرخزادان در قرن سوم هجری که هم‌عصر مأمون خلیفه عباسی بود. دیگری آذرباد ایمیدان، ظاهراً مطالب کتابهای سوم تا پنجم بیشتر جنبه جدلی و کلامی و فلسفی دارد. کتاب ششم مشتمل بر اندرزهای پهلوی است و آن را باید بزرگترین اندرزنامه پهلوی به شمار آورد. کتاب هفتم براساس متن اصلی و ترجمه سه نسک اوستایی به نامهای سپند نسک، چهارداد نسک و وشتاسب ساست (تعلیم وشتاسب) تدوین شده است. کتاب هشتم دربردارنده خلاصه اوستای ساسانی است. کتاب نهم شرح و تفسیر سه نسک از بیست و یک نسک اوستاست: سودگر نسک، ورشت‌مانسر نسک و بغ نسک. پس از این سه نسک، فصلی با عنوان «گزیده‌ای از همه یشت» آمده است که احتمالاً برگرفته از نسک بیست و یکم اوستا است. مطالب با ترجمه گاهان و یسن‌های هفت فصل شباهت دارد. از دینکرد چهار نسخه قدیمی در دست است. کامل‌ترین نسخه، نسخه بمبئی است. سلسله نسب این نسخه به نسخه‌ای می‌رسد که در سال ۳۶۹ یزدگردی برابر با ۱۰۲۰ میلادی در بغداد به دست ماه‌ونداد نرماهان کتابت شده بود. دینکرد اثری بسیار عظیم است که تا کنون همه بخشهای آن ترجمه نشده است. در سالهای اخیر پاره‌هایی از این اثر در کتابهایی مانند، «پژوهشی در اساطیر ایران» تألیف مرحوم مهرداد بهار و «اسطوره زندگی زردشت» تألیف ژاله آموزگار و احمد تفضلی، ترجمه شده است و نگارنده تنها توانست از این منابع استفاده کند.

۵. روایت پهلوی: این کتاب حاوی مطالب گوناگونی است که به اختصار می‌توان آنها را چنین برشمرد: تقویم؛ آیینهای دینی مانند درون، یسنا، ویسپرد، دوازده هماسنت، همادین، میزد و گاهنبار؛ نذر؛ قربانی؛ ستایش خورشید؛ توبه؛ خواندن دعای اهنور؛ شرایع و قوانین دینی؛ نحویدودس؛ تماس با نسا (جسد)؛ گواهی؛ فروش برده؛ طلاق؛ انواع آتش؛ کشتن گوسفند؛ ثواب کشتن خرفستران؛ گناهان مرگ‌ارزان؛ دیوپرستی؛ نفرین گاو و اسب و هوم؛ آفرینش جهان؛ سرنوشت انسان پس از مرگ؛ رستاخیز و پایان جهان؛ بهشت و دوزخ؛ داستان گرشاسب، جمشید، زردشت، گشتاسب، کنگدژ، مشی و مشیانه؛ خواص مهره‌ها. این کتاب علاوه بر

مطالب اساطیری و آیینی و غیره، خصوصاً از جهت در برداشتن مسائلی که زردشتیان در سده‌های نخستین هجری در جامعه اسلامی با آنها رویرو بوده‌اند، مانند اجرای احکام یا آیینهای دینی، از اهمیت بسیاری برخوردار است. به همت خانم دکتر مهشید میرفخرایی برگردان بسیار علمی و دقیقی از این اثر به فارسی، در دست است (نگاه کنید به فهرست منابع، میرفخرایی، ۱۳۶۷).

۶. زند بهمن یسن: مطالب کتاب مربوط است به پیشگونی‌های اورمزد و گفتگو با زردشت درباره آینده این سرزمین؛ مردم آن و دین مزدیسنی. احتمالاً اصل این پیشگونی‌ها کهن و متعلق به دوره‌ای پس از شکست ایرانیان از یونانیان و فرا رسیدن اشکانیان است. دکتر محمدتقی راشد محصل بادقت و ژرفاندیشی خاص خود این اثر را به فارسی ترجمه کرده‌اند (نگاه کنید به فهرست منابع: راشد محصل، ۱۳۷۰).

۷. زند وندیداد: این اثر ترجمه وندیداد اوستایی است با یادداشتهایی اضافی خاص متن پهلوی. به عقیده مرحوم بهار (همان، ۲۱) این اثر، علاوه بر داشتن مطالبی جغرافیایی و تاریخی (هرچند افسانه‌ای) دارای مطالب بسیار حقوقی و آیینی نیز هست که آن را از نظر جامعه‌شناسی تاریخی و ارتباط فرهنگی و اجتماعی مردم نجد ایران با بین‌النهرین و غرب آسیا شایان اهمیت بسیار می‌سازد. استاد مهرداد بهار بخشی از این اثر را در کتاب پیرای خود، پژوهشی در اساطیر ترجمه کرده‌اند (نگاه کنید به بهار، ۱۳۷۵).

۸. شایست ناشایست: کتاب دارای ده فصل است و در آن مطالب گوناگون و متنوعی، خصوصاً درباره آیینها و مناسک دینی، آمده است. در این کتاب به درجات هشتگانه گناهان و میزان تاوان آنها، جسد شخص درگذشته و مقررات دینی مربوط به آن، قوانین عادات ماهانه زنان، قوانین مربوط به گستی و پیراهن دینی زردشتیان، گناه سخن گفتن در هنگام غذا خوردن و بعضی از اعمال دینی آن، ستایش خورشید و آتش و گناه خاموش کردن آن، گناهان مرگ‌آرزان، مباحثه دینی با هیربدان، عبادت در آتشکده و جاهای دیگر، بعضی از قوانین تطهیر، گناه ازدواج نکردن، اشاره به بعضی مطالب درباره عقاید عامیانه پرداخته شده است. استاد گرانقدر خانم دکتر مزداپور این اثر را نیز به بهترین شکل، به فارسی برگردانده و آوانویسی کرده‌اند (نگاه کنید به فهرست منابع: مزداپور ۱۳۶۹).

۹. کارنامه اردشیر بابکان: این کتاب که احتمالاً در اواخر دوره ساسانی بر اساس روایات کهنتری در فارسی نوشته شده، تاریخی است آمیخته با افسانه درباره اردشیر نخستین پادشاه

ساسانی. در آغاز شرح مختصری درباره وضع ایران پس از حمله اسکندر و حکومت ملوک الطوائفی اشکانیان آمده است. سپس از بابک و ساسان و تولد اردشیر و راهیابی او به دربار اردوان، کینه ورزی اردوان و پسرانش نسبت به او، آشنایی اردشیر با کنیز اردوان، فرار اردشیر از دربار اردوان به تحریک کنیزک و نبردهایش با اردوان و شکست دادن او، شرح نبردهایی با شاهان محلی دیگر مانند شاه کردان مادی، مرگ هفتواد و مهرگ، ولادت شاپور پسر اردشیر از مادری که دختر اردوان بود، تولد هرمزد پسر شاپور از مادری که او نیز دختر دشمن اردشیر یعنی مهرگ بود، سخن به میان آمده است. دکتر بهرام فره‌وشی این اثر را به فارسی ترجمه کرده و یک آوانویسی به فارسی میانه از آن ارائه داده‌اند (نگاه کنید به فهرست منابع: فره‌وشی).

۱۰. گزیده‌های زادسپرم: این اثر که از نظر زمانی هم‌عصر بندهش است، انباشته از اطلاعات اساطیری جالب بخصوص از نظر زروان شناسی است. این اثر با گفتاری در باره آغاز جهان و آفرینش شروع می‌شود، به شرح زندگی زردشت، وجود انسان یعنی روان، جان و تن و تن پسین (رستاخیز با تن مادی) و بیمرگان می‌پردازد. به برکت وجود دکتر محمدتقی راشد محصل امروزه ترجمه بسیار شیوایی از این اثر به قلم توانای ایشان در دست است (نگاه کنید به فهرست منابع: راشد محصل، ۱۳۶۶).

۱۱. متون پهلوی: این اثر شامل سی و هشت متن مستقل است و از جمله مطالب بسیار باارزش آن یادگار زریران، شهرستانهای ایران، داستان خسرو قبادان و ریدک، درخت آسوریگ، گزارش شطرنج و ماه فروردین روز خرداد می‌باشد که از نظر اساطیری، جغرافیایی و اجتماعی دارای اهمیت ویژه‌ای است. متن یادگار زریران نیز از نظر تطبیق ادبیات حماسی میانه ایرانی با شاهنامه فردوسی از اهمیت خاصی برخوردار است.

۱۲. مینوی خرد: نام اصلی اثر «دادستان مینوی خرد» (احکام و آراء روح عقل) است. این اثر را از جهت دربرداشتن اندرز و حکم بسیار و توجه خاص به عقل و خرد، مطالب اساطیری و اشارات و داستانهای قدیمی ایرانی، گیاه‌شناسی، کم‌توجهی به امور دنیای مادی و توجه به دنیای معنوی دارای اهمیت بسیار است. برخی دانشمندان این اثر را نیمه زورانی می‌دانند. به همت زنده‌یاد دکتر احمد تفضلی این اثر با تعلیقات بسیار علمی و پر بار به فارسی برگردانده شد (نگاه کنید به فهرست منابع، تفضلی، ۱۳۶۴).

۱۳. یوشت فریان: رساله با توصیفی از چگونگی مناظره آغاز می‌گردد. اخت جادوگر با هفتاد هزار سپاهی به شهر «حل‌کننده معما» وارد می‌شود و بر آن است که شهر را نابود کند. از افراد زیر

پانزده سال شهر پرسشهایی می‌کند و نهصد نفر از روحانیان و نه دختر از خاندان زردشت را می‌کشد. تا اینکه یوشت فریان به سی و سه پرسش او پاسخ می‌دهد. سپس یوشت فریان از اخت جادوگر سه سوال می‌پرسد و چون اخت نمی‌تواند به آنان پاسخ دهد، نابود می‌شود. دکتر محمود جعفری دهقی، آوانگاری و ترجمه بسیار دقیق و شیوایی از این اثر فراهم کردند (نگاه کنید به فهرست منابع، جعفری دهقی ۱۳۶۰).

البته در کنار این آثار، از منابع مهم دیگری نیز استفاده شد (در این مورد به کتابنامه مراجعه کنید).

شیوه تدوین اثر

پس از بررسی منابع، ابتدا با استفاده از نرم افزار پیشرفته Access از کلیه منابع فیش‌های کامپیوتری تهیه گردید. بدین صورت که تمامی منابع سطر به سطر مطالعه و بیش از شانزده هزار فیش کامپیوتری تهیه شد. در مرحله بعد فهرستی از سرواژه‌ها فراهم گردید. از این فهرست به عنوان راهنمای تدوین فرهنگ اساطیری استفاده شد. نرم افزار Access که ابزار اصلی تدوین این اثر است این امکان را فراهم می‌کند تا با صرف کمترین زمان و با دقت باور نکردنی، بتوان مطالب مورد نیاز را طبقه بندی و استخراج کرد. به عنوان مثال برای سرواژه اسب نوزده فیش در دست بود. ولی با کمک این نرم‌افزار سیصد و چهل و پنج فیش که در آنها واژه اسب به کار رفته بود، در کسری از ثانیه شناسایی شد. بدین ترتیب با استفاده از چنین امکانی، دقت تحقیق بسیار افزایش یافت. این اثر حاوی هزار و نهصد و پنجاه و پنج سرواژه است که از این میان سیصد و چهل سرواژه ارجاعی و هزار و ششصد و پانزده سرواژه، مدخل اصلی را تشکیل می‌دهند.

در این کتاب که به صورت فرهنگ الفبایی عرضه می‌گردد، عناوین و موضوعات بیشتر بر اساس رابطه آنها با قلمروی اساطیر ایران باستان، بویژه دوره فارسی میانه مطرح شده است. اما به خاطر گستردگی و ارتباطی که میان اساطیر ایران با اساطیر ودایی و بین‌النهرین وجود دارد، تا آنجا که به درک بهتر اساطیر ایرانی ارتباط داشت، به پاره‌ای از مفاهیم این دو فرهنگ عظیم و برجسته نیز اشاره شده است. علاوه بر مفاهیم اساطیری، بسیاری از مفاهیم آیینی نیز در این فرهنگ موجود است. علت این است که اساطیر دوره میانه بشدت آمیخته با مفاهیم آیینی است. به نحوی که اسطوره و آیین در پاره‌ای مواقع در هم تنیده شده‌اند. لذا ذکر مفاهیم آیینی در بسیاری از موارد ناگزیر می‌نمود. در تهیه این اثر تلاش بسیار شد تا مطالب بیان شده با ذکر دقیق منبع

همراه باشد. همچنین برای آشنایی خواننده با سبک زبانی آثار پهلوی، در لابلای مقالات ترجمه‌ای از برخی عبارات منابع مورد استفاده ذکر شده است. در تألیف مقالات این اثر نکاتی مورد توجه قرار گرفت که آگاهی از پاره‌ای از آنها برای خواننده بیفایده نخواهد بود:

۱. در ارجاعات تلفظ واژگان فارسی میانه غربی (که تفاوت چندانی با فارسی دری ندارد) مبنا قرار گرفت. مثلاً اناهید، سپرغم، سپندارمذ، گیومرث، بجای آناهیتا یا ناهید، اسپرغم، اسفندارمذ، کیومرث. مگر در مواردی که واژه برای خوانندگان نامأنوس می‌نمود. در این موارد از تلفظ فارسی دری استفاده شد. مانند اردیبهشت، ضحاک، قباد، کاوس، کیخسرو، بجای اشه و هیش، ازی دهاک، کوات، هوسرو.

۲. در این فرهنگ ابتدا سرواژه‌های اصلی توضیح داده شده است و پس از آن سرواژه‌هایی که مرتبط با آن و سپس سرواژه بعدی ذکر شده است. در طبقه‌بندی سرواژه‌ها، فاصله میان دو واژه به عنوان یک کاراکتر مد نظر قرار گرفت. مزیت چنین ترتیبی این است که خواننده به همه ترکیبهای و اشتقاقیات فرعی یک سرواژه اشراف می‌یابد. به عنوان مثال:

آب
آب بزه
آب پیکر
آب تن تخمه
آب چهره
آب زر
آب زونگل
آب زوهر
آبا
آبان (ایزد)
آبان (روز)
آبان (ماه)
آبان

۳. برخی از سرواژه‌های اصلی، عنوانهای نیمه مستقل و فرعی نیز داشته که همگی به سرواژه اصلی ارجاع داده شدند. مانند:

روز (سرواژه اصلی)

اشهین گاه روز.

۴. در این اثر هرگاه از سرواژه‌های دیگر به مناسبتی یاد شده، با علامت * مشخص گردیده تا خواننده جهت اطلاع به همان ماده در فرهنگ حاضر رجوع کند.

۵. در این کتاب از آوردن پانویست خودداری شده و کلیه مطالب توضیحی و منابع و مراجع در پایان هر مقاله پس از عنوان منابع، با ذکر صفحه منبع، ذکر شده است.

۶. اغلب واژه‌هایی که ممکن بود تلفظ آنها برای خواننده ناآشنا باشد، اعراب‌گذاری شده است.

۷. در سرواژه‌هایی که ممکن بود تلفظ آنها برای خواننده ناآشنا باشد، معادل فارسی میانه و اوستایی ارائه شده است.

۸. پس از هر مدخل با توجه به نوع مدخل با یک کلمه در داخل پرانتز توصیفی درباره مقوله آن مدخل ذکر شده است. نوع این توصیفات به شرح زیر است:

نام شخصیت‌های اساطیری (اساطیر)؛ نام شخصیت‌های اساطیری- تاریخی (اساطیری- تاریخی)؛ نام شخصیت‌های تاریخی (تاریخی)؛ اصطلاحات نجومی (نجوم)؛ اصطلاحات گیاهشناسی (گیاه)؛ نام گلها (گل)؛ اصطلاحات جانورشناسی (جانور)؛ اصطلاحات گاهشماری و نام روزها و ماهها و سالها (گاهشماری)؛ اصطلاحات مربوط به زنان (زن)؛ اصطلاحات مربوط به جامه‌ها (جامه)؛ نام ایزدان و خدایان (ایزد)؛ نام امشاسپندان (امشاسپند)؛ نام کوهها (کوه)؛ نام مکانها و سرزمینها و جهت‌های جغرافیایی (مکان)؛ نام دریاها (دریا)؛ نام رودها (رود)؛ نام شهرها (شهر)؛ نام جشنها (جشن)؛ نام دعاها (دعا)؛ نام مراحل و مراتب طبقات و کیشها (مرتبه)؛ نام اژدهایان (اژدها)؛ نام سازها (ساز)؛ نام گناهان (گناه)؛ نام مراسم‌ها و آیینها (مراسم)؛ اصطلاحات مربوط به ریاضیات و اعداد (عدد)؛ نام خوراکیها (خوراکی)؛ نام فلزات (فلز)؛ نام ابزارها و آلات و ادوات (ابزار)؛ نام گاهنبارها (گاهنبار)؛ نام مقامات روحانی و موبدان (روحانی)؛ نام انواع آتشها (آتش)؛ نام اقوام و مردم (قوم). مواردی که مشکوک بود با علامت ؟ مشخص شده است.

صاحب این قلم خود اقرار می‌کند که به دلایلی در تألیف آن از شتابکاری برکنار نبوده و به همین دلیل قطعاً این اثر خالی از ایراد و اشتباه نیست. حداقل دل خود را به این خوش می‌کنم که املائی نانوشته غلط ندارد و امید بسیار دارم تا خواننده گرامی که این اثر برای او و بخاطر او

نوشته شده است، منت‌گذارده و نظر سازنده خود را با نقد و بررسی و مکاتبه با آدرس kh_gholizadeh@pnu.ac.ir به‌رنگارنده آشکار سازد و باشد تا بدینوسیله در آینده نزدیک اثری کم‌خطاتر و پربارتراز اینی که هست، عرضه گردد.

تشر و سپاس

نگارنده این سطور بر خود بایسته می‌داند از سرکار خانم دکتر کتابیون مزدایور، که اینجانب را به تألیف این اثر تشویق کردند، نهایت سپاس خود را ابراز دارد. تألیف این اثر اولین بار از سوی ایشان به اینجانب پیشنهاد شد. همسر خانم سحر نوبخت فرد در طول این سالیان همواره مشوق و یاور بی‌بدیل بنده بودند و هر گونه سختی و تنهایی حاصل از تألیف این اثر را با بردباری تحمل کردند. برای تشکر از ایشان هر قدر در دل و جانم کند و کاو می‌کنم، واژه مناسبی را نمی‌یابم. همچنین از جناب آقای اسماعیل حسن‌زاده مدیر محترم انتشارات کتاب پارسه و سایر همکاران محترم این مؤسسه که امکان چاپ این اثر را به بهترین شکل ممکن فراهم آوردند، نهایت تشکر و سپاس را دارم.

خسرو قلیزاده

۱۳۸۶